

ضمایر [آنها]

نامه‌نگاری‌های پایان قرن

پس از موحّد، این بار شفیعی کدکنی صدمین زادروز سمیعی گیلانی را شادباش گفت



چند روز پس از این‌که محمدعلی موحّد، برای شادباش صدمین زادروز احمد سمیعی گیلانی دست به قلم شد، حالا محمدرضا شفیعی کدکنی دست به کار شده و چنین کرده است. **آنها**، رفقای دیرینه سمیعی گیلانی هستند و اکنون نیز در روزگار دوری‌ها با نوشته‌هایشان او را تنها نگذاشته‌اند.

چندی پیش مراسم تولد صدسالگی احمد سمیعی گیلانی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی برگزار شد. در همین رابطه محمدعلی موحّد در پیامی صدمین سالگرد تولد این عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و ویراستار برجسته را تبریک گفته و نوشته بود: «خجسته‌باد صدویکمین نوروز استاد سمیعی گیلانی. عمر دراز اگر در جنب‌ضعف و فتور بیفتد و به خستگی و ملال بینجامد چندان کرا نکند؛ نعوذبا... اگر مرضی صعب نیز بر آن مزید گردد، شکر خدا که استاد عزیز ما، احمد سمیعی، بزرگسالی را با سلامت احوال توأم دارد، که تا با چنین بادا! استاد عزیز تبریک می‌گویم برای آن منانت بسیار که از دست ندادی و آن فطانت سرشار که هنوز از آن برخوردار، خدا را شاکر باش که چنین نعمتی کم کسی را میسر گردد. از دور دستت را می‌بوسم و به پیشواز صدویکمین نوروز عمر شریف‌ت خجسته‌باد می‌فرستم».

حالا پس از این نامه پرهمر استاد مولاناشناس ما، این بار محمدرضا شفیعی کدکنی، شاعر و محقق ادبیات فارسی دست به قلم شده و به شادباش زادروز سمیعی گیلانی پرداخته است. متن این پیام که صفحه‌ای به نام محمدرضا شفیعی کدکنی، آن را به اشتراک گذاشته، چنین است: «در این ایام، استاد فرزانه ما، احمد سمیعی گیلانی یکصدساله شد. قرن ما از حضور فعال او روشنائی‌های بسیاری یافت. اگر ۲۰ سال دوران دبستان و دبیرستان او را از این صد سال کم کنیم ۸۰ سال از این صد سال شب و روز در راه بهروزی اجتماعی مردم ایران و در راه تعالی فرهنگ ملی ما سپری شده است. این چنین سعادت نصیب کمتر کسی از مردم روزگار ما بوده است. برای او، در قرن دوم زندگی‌اش، دیرسال‌ها سلامت و نشاط کار علمی آرزو دارم و یقین دارم که او، با همان دقت و نشاط قرن نخستین عمرش، سال‌ها و سال‌ها به فرهنگ ایران‌زمین و زبان فارسی خدمت‌های بزرگ دیگری خواهد کرد. دیر زیاد آن بزرگوار خداوند».

اگر علاقه‌مند به ادبیات فارسی هستید که احمد سمیعی گیلانی را خوب می‌شناسید، اما اگر نیستید، بدانید که این استاد، هم مترجم بوده، هم ویراستار و هم مولف و محقق. از تالیفات او می‌توان به «نگارش و ویرایش»، «شیوه‌نامه دانشنامه جهان اسلام»، «آیین نگارش»، «ادبیات ساسانی» و ... اشاره کرد.



سپیل سنگرزاده یکی از اینفلوئنسرهای نوظهور شبکه‌های اجتماعی است که نصیحت‌های عجیب‌وغریبش اخیراً با کلیدواژه «چون دل» مورد توجه قرار گرفته است

بازگشت محمدرضا فروتن به سینماها

فیلم «آقای سانسور» پس از وقفه‌ای چهارماهه و با بازگشایی مجدد سینماها روی پرده رفته است. آن‌طور که ایسنا نوشته این فیلم به کارگردانی علی جبارزاده و با بازی محمدرضا فروتن، بهرام افشاری، بهاره رهنما، بهنوش بختیاری، امید روحانی، محمود پاک‌نیت، علی مثنوی، گیتی قاسمی و... در تهران و شهرستان‌ها به نمایش در آمده است.

کتاب بایرامی در صربستان

طی قراردادی، حق انحصاری ترجمه و نشر کتاب «مردگان باغ‌سبز» محمدرضا بایرامی از نشر آفق به انتشارات اسلوژبنی گلاسینک صربستان واگذار شد. خبر را روابط‌عمومی آژانس دایره مینا به جام‌جم داده و افزوده که مردگان باغ‌سبز با نمایندگی آژانس ادبی دایره مینا به زبان صربی منتشر خواهد شد.



چند نکته در باره آدم‌هایی که موفقیت را می‌فروشنند و اصرار دارند ما باور کنیم انسان‌های بدبختی هستیم

بشین، فکر کن، پولدار شو!



مرتضی درخشان

روزنامه‌نگار

لژوما همیشه قوی‌ترین‌ها و سریع‌ترین‌ها پیروز نمی‌شوند؛ پیروز کسی است که فکر کند می‌تواند پیروز شود. به‌به! چه جمله‌های خوبی، یک‌بار جلوی آینه بایستید و با انرژی تمام این چند جمله را بگویید یا نه، صدایتان را آرام کنید و به شکل رمزآلودی همین چند جمله را بخوانید. اصلاً بخش اول را هم بی‌خیال شوید؛ پیروز کسی است که فکر می‌تواند پیروز شود. پیروز کسی است که فکر می‌کند می‌تواند پیروز شود....

در آینه چقدر شبیه سخنان‌های انگیزشی هستید؟! چه خوب است بدانید این جمله‌ها از کتاب‌های آقای هیل انتخاب شده، کسی که در کسب موفقیت و ثروت به درجه استادی رسیده بود. صاحب پرفروش‌ترین کتاب‌های موفقیت در آمریکا که فقط در یک فقره نزدیک به ۳۰ میلیون نسخه فروخت، کسی که رازهای موفقیت را در مصاحبه با افرادی مثل توماس ادیسون، گراهام بل، فورد و ویلیام جنینگ براین کسب و استخراج کرد. حالا چشم‌های‌تان را ببندید و قبل از این‌که باز کنید هرچیز را که تا اینجا گفتیم، پاک‌کنید تا قصه عجیبی برای شما تعریف کنیم، قصه‌ای عجیب که اگر با دقت بخوانیم، ممکن است خیلی اتفاقات پیش روی ما رخ ندهد. قصه شروترترین پسر وایس کانتی در ویرجینیا. قصه کسی که همه نمونه آن را دیده‌ایم اما همیشه تازگی دارد. قصه اولیور ناپلئون هیل.

یک روایت رسمی از یک مرد موفق

اواخر قرن ۱۹ در خانه‌ای که عملاً اتاقی کوچک در حاشیه رودخانه پراد بود، آهنگری صاحب یک فرزند پسر شد، خانه‌ای که در وایس کانتی به‌خاطر ابتدایی‌ترین مساله یعنی رعایت نکردن بهداشت، شهره تمام محله بود. این پسر که بعدها به نام ناپلئون هیل مشهور شد در نوجوانی خود را نویسنده کوهستان معرفی و از ۱۳سالگی شروع به نوشتن در روزنامه‌های محلی کرد، البته با درگذشت مادرش و ازدواج مجدد پدری که توجهی به تربیت فرزند نداشت به یاغی‌ترین پسر محله تبدیل شد و از قاتل و یاغی معروف، جسی جیمز که صدسال قبل از او کشته شده بود برای خود اسطوره ساخت.

این نوجوان که با افتخار به کمرش سلاح می‌بست، می‌رفت که به یک خلافکار بزرگ یا یک جوانمرد کوچک در تاریخ آمریکا تبدیل شود تا این‌که به او می‌گویند اگر بتوانی با ماشین تایپ خودت هم مثل همین سلاح و با همین ظرافت کارکنی، دنیا را تکان خواهی داد.

همه چیز پس از مصاحبه هیل ۱۵ساله با اندرو کارنیکی، غول بزرگ دنیای فلز و ثروتمندترین مرد آمریکا در آن زمان تغییر کرد و ناپلئون بعد از گفت‌وگو با کارنیکی دیگر آن آدم سابق نبود. کارنیکی به او پیشنهاد کرد تا ۲۰سال آینده را

برای کشف راز موفقیت و استخراج رمز و راز پیروزی از سپینه آدم‌های بزرگ عصر خود صرف کند یا خودش به یک نمونه موفق تبدیل شود یا این تجربیات را در اختیار دیگران بگذارد.

او به هیل گفت من به تو بابت این سال‌ها پولی نخواهم داد، فقط به تو یک معرفی‌نامه می‌دهم که با اعتبار من بتوانی با چهره‌هایی نظیر ادیسون گفت‌وگو کنی.

از اینجا تاریخ، همای سعادت روی شانه نویسندگان موفقیت نشست و این دیدار یک نقطه آغاز بر دنیای کتاب‌های موفقیت و خودباوری در تاریخ دنیا بود. زندگی‌نامه رسمی او می‌گوید هیل با دقت و ظرافت تمام، راز موفقیت این افراد را می‌پرسید و آن را یادداشت می‌کرد. ازاین‌رو در سال ۱۹۲۸، کتابی با نام قوانین موفقیت نوشت که با استقبال خوبی روبه‌رو شد.

هیل، کتاب دینامیت مغزی، مجله قوانین طلایی هیل، راهیایی به موفقیت، رشد فکری و ثروت و سرانجام علوم موفقیت را نوشت و به پدر معنوی تمام افرادی تبدیل شد که می‌خواستند یا در این عرصه بگذارند.

او هر بار که به موفقیتی دست پیدا می‌کرد، دیگران با استفاده از صداقتش، امالش را بالا می‌کشیدند و او دوباره از صفر شروع می‌کرد. موفقیت و

خدمت به مردم میهن در دوران رکود اقتصادی آن قدر برای هیل مهم بود که همسر و فرزندانش را رها کرد و به سمت تولید علم برای موفقیت رفت. او درزمینه موفقیت و کسب ثروت به درجه استادی رسیده بود و برای فرانکلین روزولت هم نقش مشاور را ایفا کرد.

بسیاری از تجارت‌پیشگان آمریکایی تحت تأثیر او بودند تا حدی که یک تاجر بزرگ آمریکایی در کلیسایی حضور پیدا می‌کرد که کشیش آن از شاگردان و پیروان ناپلئون هیل بود و این تاجر همیشه می‌گفت از شنیدن حرف‌های او سیر نمی‌شوم، به‌هرحال او موفق‌ترین نویسنده کتاب‌های موفقیت در طول تاریخ بود و تأثیر بزرگی بر این حرفه داشت.

دوباره چشم‌ها را لحظه‌ای ببندید، اینجا ی گزارش باید روایت رسمی و البته یکجانبه بنیاد هیل از زندگی ناپلئون هیل را رها کنیم و سراغ گزارش مت‌نوواک برویم، گزارشی که بر اساس مستندات موجود و قابل دسترسی تهیه و تدوین شده است.

یک سوال بزرگ در مورد یک اسم بزرگ

این‌که بگوییم سرنوشت بعضی‌ها از پیش تعیین شده حرف خوبی نیست. خیلی هم با معیارهای عقلی جور در نمی‌آید. مثلاً شما نمی‌توانید بگویید یک نفر چاره‌ای جز معتاد شدن نداشته یا یک نفر دیگر اگر دکتر نمی‌شد باید تعجب می‌کردیم! چون مثال‌های نقض بسیاری در این زمینه هست اما افرادی که بستر و زیرساخت انجام یک کار را دارند نیمی از راه را رفته‌اند. مثلاً فرزند ماری کوری که در آن خانواده بزرگ شده کافی است کمی درس بخواند تا تبدیل به دانشمندی بزرگ شود، یا فرزند پیتر اشمایکل از ابتدای رقابت برای دروازه‌بان تیم ملی دانمارک شدن، هرچند کافی نبود اما از بقیه دو بر صفر جلوتر بود. بقیه راه را خود شخص باید برود.

برای ناپلئون هیل هم همین‌طور بود. او در ذات یک خلافکار بود. از یک خانواده با طبقه اجتماعی پایین که به جای این‌که از راه جسی جیمز به سمت مرگ زودهنگام برود، یک روز اسلحه را کنار گذاشت و با ماشین تایپ در دنیای

اکران عمومی شد. آخرین حضور تصویری شخصیت راجرز به دهه ۲۰ میلادی برمی‌گردد. در آن زمان، شبکه تلویزیونی ان‌بی‌سی مجموعه‌ای زنده با نام «باک راجرز» تولید و پخش کرد. گیل ژرارد نقش شخصیت محوری ماجراهای این اکشن علمی. تخیلی را بازی کرد. جورج کلونی بعد از مطالعه چند داستان باک راجرز که توسط دوست همکارش گرانت هسلوا به دستش رسید، علاقه‌مند به تولید کار تصویری جدیدی از این چهره محبوب دنیای مضحک قلمی شد. او در حالی قرار است سفری علمی. تخیلی به آینده‌ای دور داشته باشد، که تازه‌ترین ساخته سینمایی‌اش «آسمان نیمه‌شب» هم حال و هوایی علمی. تخیلی دارد. فیلم که ماه دسامبر از شبکه نتفلیکس روی اینترنت قرار گرفت. کلونی را در مقام کارگردان و بازیگر دارد و از امیدهای اصلی اسکار پیش رو به حساب می‌آید. / هالیوود ریپورتر

روزنامه‌فروشی‌ها ظاهر شد. بعد کودکانه آمیزینگ استوریز این داستان را چاپ کرد. فیلیپ فرانسیس نولان، نویسنده و خالق این شخصیت، داستان مردی را به تصویر می‌کشد که در یک معدن زغال‌سنگ گیر می‌افتد و ناگهان سر از یک دنیای کارتونی و ریب‌ون وینکل گونه درمی‌آورد. مرد بعد از بیدار شدن متوجه می‌شود حدود ۵۰۰ سال به جلو حرکت کرده و در آینده‌ای بسیار دور قرار دارد. در جریان نبرد سنگین چند گروه محلی با یکدیگر، پای او هم وسط کشیده می‌شود و مرد مجبور به موضعگیری و شرکت در درگیری‌هاست. شخصیت راجرز در سال ۱۹۲۹ به صورت یک مجموعه کتاب مصور درآمد و محبوبیت زیادی بین کودکان و نوجوانان پیدا کرد. مدتی بعد انواع و اقسام بازی‌های راجرز سر از بازار درآورد و نمایش‌های رادیویی آن از راه رسید. یک مجموعه فیلم سینمایی هم با بازی باستر کراب در نقش راجرز تولید و

جورج کلونی در تدارک یک کار تلویزیونی تازه

و تعداد اپیزودهایش هم زیاد نیست. شنیده‌ها حکایت از هفت قسمتی بودن این اکشن درام ماجراجویانه آینده‌نگرانه می‌کند. براین‌کی ون، مسئول نگارش فیلمنامه است و خبر می‌رسد که کلونی و لجندری یکپچرز برنامه‌های متنوعی برای شخصیت باک راجرز دارند و در کنار مجموعه تلویزیونی، یک فیلم سینمایی هم تهیه خواهد شد و یک مجموعه کارتونی مجزا هم، شخصیت راجرز را با صدای کلونی به علاقه‌مندان ارائه خواهد کرد.

فعلاً نامی برای مجموعه تلویزیونی (که زودتر از بقیه کار تولیدش آغاز می‌شود) انتخاب نشده و با نام موقت «راجرز» شناخته و معرفی می‌شود. شخصیت راجرز اولین بار در سال ۱۹۲۸ و در دل داستانی مصور به نام «آرماندن ۲۴۱۹» روی پیشخوان

جورج کلونی و شرکت مستقل فیلمسازی‌اش اسموک هاوس، تهیه‌کننده پروژه‌ای هستند که به احتمال بسیار زیاد با بازی کلونی در نقش اصلی وارد مرحله تولید خواهد شد. با

این اثر، کلونی هم تعدادی دیگر از هنرمندان هالیوودی راهی آینده (و البته قاب کوچک) می‌شود. بازیگر مطرح سینما که دستی هم در کارگردانی دارد، به دنبال اقتباسی سینمایی از قهرمان پاپ کلاسیک دهه ۸۰ میلادی باک راجرز است. او مجموعه‌اش را با

همکاری شرکت لجندری یکپچرز تهیه می‌کند.

براساس شنیده‌ها این مجموعه فقط در یک فصل تولید می‌شود

فیلم [راش]

